

صلاحیت‌های حرفه‌ای معلم زبان و مدیریت کلاس

در گفت‌وگو با جابر کمالی از اساتید دانشگاه فرهنگیان

گفت‌وگو: شهلا زارعی نیستانک

اشاره

آنچه در پیش روی آمده است، گفت‌وگویی است با آقای جابر کمالی، مدرس زبان انگلیسی در دانشگاه‌های علامه طباطبایی، آزاد اسلامی و فرهنگیان که توسط مدیر داخلی مجله، شهلا زارعی نیستانک و نصرالله دادار، روزنامه‌نگار و گزارشگر مجلات رشد در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۷ انجام گرفته است. ضمن تشکر از آقای کمالی برای حضور در این گفت‌وگو، نظر خوانندگان محترم را به متن زیر جلب می‌نماید.



جابر کمالی از زبان خودش

از سال ۱۳۸۲ که وارد دانشگاه آزاد اسلامی شدم، علاقه‌مندی‌ام نسبت به رشته آموزش زبان در حین یادگیری بیشتر و بیشتر می‌شد به گونه‌ای که موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه علامه طباطبایی شدم و سپس وارد دوره دکتری شدم و ان شاء الله امسال فارغ‌التحصیل خواهم شد. از سال ۱۳۸۸ یا ۱۳۸۹ بود که کارگاه‌های آموزشی را برای دبیران در مکان‌های گوناگون و بیشتر به‌طور داوطلبانه برگزار کردم. تاکنون در خدمت اساتید زیادی همچون دکتر تاج‌الدین، دکتر نوروزی خیابانی، دکتر مصطفایی، دکتر خطیب، دکتر عنانی سراب و اساتید دیگری، شاگردی کرده‌ام و بسیار زیاد از آنان فرا گرفته‌ام.

بنده جابر کمالی هستم، متولد ۱۳۶۱ از شهری، متأهل و دارای یک فرزند. در حال حاضر دانشجوی دکتری در رشته آموزش زبان انگلیسی در دانشگاه علامه طباطبایی می‌باشم. در کارنامه خود مدرک DELTA از دانشگاه کمبریج را دارم که گواهی دوره پیشرفته آموزش مدرس زبان انگلیسی در سطح بین‌المللی است و تدریس زبان انگلیسی را از سال ۱۳۸۳ شروع کرده‌ام و حدود هفت سال است آموزش دبیران یا "teacher education" را به‌صورت تخصصی انجام می‌دهم. از سال ۹۵ نیز افتخار همکاری با دانشگاه فرهنگیان را دارم.

Effective Classroom Management ذهن بیکار آماده شیطنت است یعنی همین که دانش‌آموزان بیکار شوند کلاس را به هم خواهند ریخت.

é نکاتی که شما مطرح کردید در حقیقت بر می‌گردد به همان صلاحیت‌های حرفه‌ای معلم، یعنی اینکه یک معلم خوب باید آموزش‌های لازم را دیده باشد و با آمادگی کافی و کامل وارد کلاس بشود تا اثربخش باشد.
è دقیقاً. یعنی به نوعی مسلح به ابزارهای گوناگون باشد تا بتواند در موقعیت‌های مختلف از آن‌ها استفاده کند.

é به نظر شما معلم زبان از چه ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی باید برخوردار باشد؟

è همان‌طور که قبلاً نیز عرض کردم تفاوت‌هایی بین دانش‌آموزان در درس زبان‌های خارجی و دروس دیگر وجود دارد و این تفاوت‌ها در معلمان زبان نیز مشهود است. یکی از این تفاوت‌ها "language ego" است؛ یعنی سدی که باعث می‌شود دانش‌آموز نتواند به زبان خارجی صحبت کند. خیلی مواقع دانش‌آموز ایده‌هایی دارد اما زبان مناسب برای بیان آن را ندارد یعنی مشکلات زبانی مانع بیان ایده می‌شود. به‌نظر من یکی از مهم‌ترین خصوصیات معلم باید توانایی از سر راه برداشتن این مانع باشد، که این هم فقط با تشویق و رفتار دوستانه توأم با احترام انجام‌پذیر است.

مهم‌ترین وظیفه ما آشنا کردن دانشجو- معلمان با معماری و ساختار کلاس درس است تا آن‌ها را از سردرگمی دریاوریم و کمکشان کنیم که نحوه کار در کلاس را فرا بگیرند

é به‌نظر شما دانشجو - معلمان در آغاز فعالیت‌های آموزشی خود در آموزشگاه‌ها و مدارس با چه مشکلاتی روبه‌رو هستند و برای برخورد با این مشکلات چه راه‌حلهایی را پیشنهاد می‌کنید؟

è از نگاه من یکی از مشکلاتی که دانشجو - معلمان با آن روبه‌رو می‌شوند بحث مدیریت کلاس است. یعنی دانشجو - معلم با این مشکل روبه‌روست که چطور می‌تواند ذهن یک نوجوان ۱۲ یا ۱۳ ساله را متمرکز نگه دارد. شما خوب می‌دانید که مدت زمانی که می‌توان یک کودک یا نوجوان را متمرکز نگه داشت ۱۵ الی ۲۰ دقیقه است. دبیری که به کلاس وارد می‌شود چقدر می‌تواند از این ۲۰ دقیقه به‌طور مفید استفاده کند. اینجاست که مدیریت کلاس مطرح می‌شود. مدیریت کلاس فقط به موارد انضباطی بر نمی‌گردد بلکه به

é به نظر شما یک معلم زبان باید از چه صلاحیت‌های حرفه‌ای برخوردار باشد تا در کار خود موفق شود؟

è حرفه‌ای بودن برای معلم زبان شاید مهم‌تر از دیگر معلمان است. به‌نظر بنده با توجه به مطالبی که در این حوزه مطالعه کرده‌ام بهره‌مندی از اساتیدم و تجربه شخصی می‌توانم صلاحیت‌ها را به دو دسته تقسیم کنم: صلاحیت‌های ذهنی و صلاحیت‌های عاطفی.

صلاحیت ذهنی که از طریق خواندن مجلات و تحقیقات عملی ایجاد می‌شود و شاید مهم‌تر از این‌ها "reflective teaching" یا «تدریس تفکرمحور» است. به عبارت دیگر معلم فکر کند به اینکه در کلاس چه کاری باید انجام دهد. به این فکر کند که وقتی اتفاقی در کلاس من می‌افتد چه کاری باید انجام دهم، چه بخش‌هایی از تدریس‌ام ضعف داشته و چه بخش‌هایی را به‌عنوان نقاط قوت می‌توانم در کلاس‌های دیگر از آن‌ها استفاده کنم.

صلاحیت بعدی، صلاحیت عاطفی است. از آنجا که ما معلمان زبان، زبان خارجی تدریس می‌کنیم که خودش وسیله برقراری ارتباط است، به عبارت دیگر ما با وسیله ارتباطی، خود وسیله ارتباطی را تدریس می‌کنیم، به همین دلیل کارمان سخت‌تر از معلمان درس‌های دیگر است. به دلیل عدم توانایی در ارتباط، دانش‌آموزان در مقابل یادگیری زبان از خود مقاومت نشان می‌دهند چون در جاهایی، به‌خصوص در ابتدای امر، خود را ناتوان می‌یابند، لذا مهم‌ترین نقش معلم می‌تواند انگیزه داشتن و ایجاد انگیزه کردن باشد.

é به‌نظر شما نقش آموزش‌های پیش از خدمت در رشد صلاحیت‌های حرفه‌ای مدرسان یا دانشجو معلمان چگونه می‌تواند باشد؟

è خیلی زیاد. آموزش‌های پیش از خدمت بسیار تأثیرگذار است. فرض کنید فردی را که هنوز شنا بلد نیست در دریا رها کنیم و از او بخواهیم شنا کند و خودش را نجات دهد. برای فردی که شنا نمی‌داند این توقع بی‌جایی است. این تشبیه می‌تواند در یادگیری تدریس نیز اتفاق بیفتد. وقتی معلمی بی‌تجربه را در کلاس بدون آموزش رها می‌کنیم ممکن است در این کار درمانده شود. ما در کلاس‌های دانشگاه فرهنگیان در درس کارورزی بالاخص و دروس دیگر به معلمان شنا کردن را می‌آموزیم تا بدانند باید چه کاری انجام دهند و چگونه. مهم‌ترین وظیفه ما آشنا کردن دانشجو - معلمان با معماری و ساختار کلاس درس است تا آن‌ها را از سردرگمی دریاوریم و کمکشان کنیم که نحوه کار در کلاس را فرا بگیرند. ببینید اگر دانش‌آموزان بفهمند که معلمشان برای کلاس برنامه‌ای ندارد مطمئناً کلاس را به هم خواهند ریخت. براساس اصول مدیریت کلاس در کتاب

همین رو هدف در دانشگاه فرهنگیان تربیت معلم فکور است یعنی معلمی که خوب فکر می‌کند و بعد تصمیم می‌گیرد. اگر دانشگاه فرهنگیان بتواند به این هدف برسد می‌توان ادعا کرد که دبیران و معلمان خوبی تربیت خواهند شد.

۴ بنابراین آیا درست است که در درس کارورزی دانشجو- معلمان با محیط آموزشی آشنا می‌شوند و این آشنایی به آن‌ها کمک می‌کند که با آمادگی سر کلاس واقعی حاضر شوند؟

۵ همین‌طور است. کارورزی در تمام دنیا از اهمیت خاصی برخوردار است نه تنها در درس زبان انگلیسی بلکه در تمام رشته‌ها. ما درس کارورزی را در درس زبان انگلیسی در دانشگاه فرهنگیان خوب پیش می‌بریم و دانشجو- معلمان خیلی خوب با آن آشنا می‌شوند. این مشاهدات کلاسی و کاری که خودشان انجام می‌دهند به آن‌ها کمک خواهد کرد که معلمان بهتری سر کلاس درس باشند. درس کارورزی را می‌توانیم از موفق‌ترین دروس دانشگاه فرهنگیان بدانیم، زیرا دانشجو- معلمان در این درس تمرین معلمی انجام می‌دهند و می‌بینند که معلمان باتجربه در مدارس چه کارهایی را انجام می‌دهند. البته هر برنامه‌ای در کنار نقاط قوت نقاط ضعفی هم دارد که باید در جای خودش مورد بحث قرار بگیرد.

به نظر من یکی از مهم‌ترین خصوصیات معلم باید توانایی در از سر راه برداشتن مشکلات زبانی باشد، که این هم فقط با تشویق و رفتار دوستانه توأم با احترام انجام‌پذیر است

۴ در برنامه جدید دانشگاه فرهنگیان برای رشد مهارت‌های حرفه‌ای دانشجو معلمان زبان چه تمهیداتی اندیشیده شده است؟

۵ در برنامه جدید دانشگاه فرهنگیان یک تحول بزرگ در یادگیری دانشجو- معلمان در حال اتفاق است. دروسی مثل تحقیق عملی، کارپژوهی، کارورزی با تعریف جدید، طراحی آموزشی و غیره. وقتی شما به عنوان مدرس تعریف واحد درسی را مطالعه می‌کنید واقعاً خوشحال می‌شوید که تا این حد آموزش و پرورش به روز پیش می‌رود. اما اینکه چقدر این دروس به‌طور عملی پیش می‌رود بحث متفاوتی است. البته به نظر می‌آید که نشست‌هایی بین مدرسين لازم است تا به وحدت رویه‌ای در تدریس برسند. البته ما در دانشگاه فرهنگیان شعبه شهید باهنر این کار را انجام می‌دهیم. در مجموع این تغییرات را برای آموزش و پرورش بسیار مثبت ارزیابی می‌کنم.

مدیریت آموزشی هم اشاره دارد یعنی چه موقع چه بخشی را تدریس کنیم؟ چه موقع از آن‌ها بخواهیم حرکت داشته باشند و مواردی از این دست. به هر روی به نظرم مدیریت کلاس مهم‌ترین بخشی است که باید مورد توجه قرار بگیرد. تشکیل کارگاه‌های آموزشی یکی از روش‌هایی است که به این موضوع کمک خواهد کرد و قطعاً تفکر "reflection" در مورد کلاس نکته بعدی خواهد بود.

۴ به نظر شما آموزش معلم تا چه حد می‌تواند به مواردی که اشاره کردید کمک کند؟

۵ همان‌طور که قبلاً نیز عرض کردم ما می‌خواهیم دانشجو معلمان پس از پایان تحصیل با آمادگی وارد کلاس درس بشوند. یعنی نمی‌خواهیم دانشجو- معلمان بدون آشنایی با شنا وارد دریا بشوند. ما می‌دانیم آمادگی وجود دارد اما بعضی اوقات این قدر دریا متلاطم است که با آن آمادگی اولیه هم شاید نتوانند شنا کنند. نکته‌ای که به نظرم بسیار مهم است «تمرین معلمی» است. گاهی اوقات تجربه تدریس از یادگیری متفاوت است، به عبارت دیگر باید مواردی را تجربه کرد تا فهمید منظور چیست. ما وقتی تمرین معلمی را در دانشگاه فرهنگیان انجام می‌دهیم، دانش‌آموزانی که سر کلاس هستند دانش‌آموز واقعی نیستند یعنی دیگر دانشجو- معلمانند که نقش دانش‌آموز را ایفا می‌کنند پس تفاوت‌های زیادی با موقعیت واقعی دارند و نباید این نکته را فراموش کنیم که از آن رو که با انسان سر و کار داریم باید منتظر اتفاقات غیرقابل پیش‌بینی باشیم. از



به نظر شما نشریات تخصصی آموزش زبان تا چه حد برای رشد حرفه‌ای دانشجو معلمان زبان انگلیسی مورد نیاز است؟

بسیار زیاد. یکی از عوامل رشد حرفه‌ای معلمان زبان خواندن مجلات و نشریات تخصصی است. برای تبدیل شدن به یک معلم حرفه‌ای سطوح مختلفی وجود دارد. بنده در یکی از مقالاتم به آزادی عمل معلم "teacher freedom" یا خود راهبری معلم "teacher autonomy" اشاره کرده‌ام. معلم مستقل این قدر با انواع نظریه‌ها و تمرین‌های معلمی آشناست که می‌تواند بهترین تصمیم را برای کلاس خود بگیرد. اما چه معلمی از خود راهبری برخوردار است؟ معلمی که معلم حرفه‌ای است می‌تواند آزادی عمل داشته باشد. از الزامات حرفه‌ای بودن خواندن مجلات و نشریات تخصصی زبان است. مجله رشد آموزش زبان‌های خارجی یکی از تخصصی‌ترین مجلات برای دانشجو - معلمان، دانشجویان رشته‌های زبان و معلمان آموزش و پرورش و مؤسسات است.

در سطح بین‌المللی نیز مجلات ویژه مدرسان زبان وجود دارد از جمله آن‌ها *ELT Journal* است که توسط انتشارات دانشگاه اکسفورد منتشر می‌شود و بسیار کاربردی به موضوعات می‌پردازد. مجله بعدی *The Teacher Trainer* است که به تدریس معلمان می‌پردازد و بسیار کاربردی است. البته مجلات دیگری هم وجود دارند مانند *TESOL Quarterly*, *System*... اما آن‌هایی که بیشتر به تدریس عملی نزدیک باشند همان‌هایی هستند که اشاره کردم.

شما وضعیت آموزش زبان انگلیسی در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اگر بخواهیم صادقانه جواب دهیم متأسفانه خیلی راضی‌کننده نیست. شاید عواملی که وجود دارد قابل بحث و بررسی باشند. البته این نکته را نیز باید اضافه کرد که وضعیت آموزش زبان انگلیسی در ایران نسبت به سال‌های قبل خیلی بهتر شده است. این تفاوت برای ما که در بطن کار هستیم قابل مشاهده است. از طرفی نمی‌توانیم چشمانمان را بر روی حقایق ببندیم. من مشکل را در یک مورد می‌بینم که نیاز به تصمیم‌مدیران بالادستی دارد و آن مشکل کنکور است یا همان تأثیر آزمون بر روی تدریس "washback effect". وقتی از دانش‌آموزان می‌خواهیم که دستور زبان و واژه‌ها را در آزمون نهایی امتحان بدهند و قرار نیست مصاحبه بدهند یا آزمون شنیداری داشته باشند نمی‌توان آن‌ها را متقاعد کرد که در این دو موضوع پیشرفت کنند. چون آن‌ها می‌دانند که از این دو موضوع در کنکور که به آینده آن‌ها مربوط است سؤالی پرسیده نمی‌شود و معلم نیز که عملکردش براساس نتایج دانش‌آموزانش در کنکور سنجیده می‌شود، به قول معروف کنکوری درس

می‌دهد، در این نوع آموزش جایی برای برقراری ارتباط با استفاده از زبان دوم وجود ندارد. در بین همکاران و دانشجو - معلمان کسانی را می‌شناسم که در تدریس خود مرا به تحسین و می‌دارند، چون که خلاقانه کار می‌کنند، اما نمی‌توانند از این ظرفیت‌ها در کلاس‌هایشان به دلیل مسائل مطرح شده استفاده کنند.

در مورد برنامه جدید درسی زبان انگلیسی چه نظری دارید؟

به نظر من برنامه جدید نسبت به برنامه قبلی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته است و دلیل آن نیز تغییر رویکرد کتاب است. کتاب‌های جدید دوره متوسطه اول براساس رویکرد ارتباطی تهیه شده و روی همه مهارت‌های زبانی به خصوص گفتاری و شنیداری متمرکز است و این تحول بسیار مهمی است. معلمان نیز به دلیل آموزش‌های پیش و حین خدمت حرفه‌ای تر تدریس می‌کنند. نکته دیگر زمان اختصاص یافته به درس زبان است که کم است. البته درس دیگر هم هستند ولی برای یادگیری در کودکی و نوجوانی به زمان بیشتری در طول هفته نیاز داریم؛ یعنی برای اینکه دانش‌آموزان بتوانند درست صحبت کنند و مهارت‌های دیگر را بیاموزند باید مدت زمان زیادی در معرض زبان قرار گیرند. یک نوجوان دبیرستانی به حداقل دو جلسه زبان آموزی در هفته نیاز دارد تا به سطح مناسب زبانی برسد ولی این موضوع چقدر قابل اجراست نمی‌دانم.



۴ کمی هم درباره ارزشیابی درس زبان در مدارس توضیح دهید.

۵ خیلی از معلمان روی ارزیابی پایانی "summative assessment" تأکید می‌کنند. یعنی نمره پایان‌ترم برایشان مهم است. برخی به ارزیابی تکوینی "formative assessment" هم می‌پردازند. در ارزیابی تکوینی آنچه اهمیت دارد پوشه کار "portfolio assessment" است؛ یعنی پوشه‌ای که تمامی تکالیف، آزمون‌ها و موارد دیگر مربوط به دانش‌آموز در آن ثبت می‌شود و نه تنها معلم بلکه خود دانش‌آموز و والدین هم از فرایند پیشرفت باخبر می‌شوند. مشکل اصلی آزمون‌های پایانی این است که ما نسبت به توانش زبانی دانش‌آموزان اطلاعی به دست نمی‌آوریم؛ فقط متوجه می‌شویم که چقدر کتاب درسی را فراگرفته‌اند. فراگیری یک کتاب با فراگیری زبان متفاوت است یعنی یادگیری کتاب *Prospect* به معنای یادگیری زبان نیست. نمی‌توانیم به فراگیری زبان مانند فراگیری ریاضی نگاه کنیم. زبان یعنی یادگیری تعامل و برقراری ارتباط. پس نوع سنجش آن نیز باید متفاوت باشد.

۶ ممنون از توضیحات شما. چه توصیه‌هایی برای بهبود آموزش زبان‌های خارجی در نظام آموزشی کشور دارید؟

۷ سؤال بسیار خوبی است و پاسخ‌های زیادی می‌توان به آن داد. می‌خواهم پاسخ را در چهار محور بیان کنم. اولین محوری که می‌توان به آن اشاره کرد بهبود ارزشیابی است. باید مسئله کنکور به نوعی حل شود یعنی آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها یا حتی آزمون‌های نهایی به گونه‌ای برگزار شوند که زبان‌آموزان نیاز به برقراری ارتباط کلامی را حس کنند، مثلاً برگزاری یک مصاحبه که البته می‌دانم کار مشکلی است ولی برای آموزش و پرورش کشوری مثل ایران قابل اجراست.

دومین محور رشد حرفه‌ای معلمان است. به نظرم رشد حرفه‌ای مستمر معلمان می‌تواند کمک مؤثری به ارتقای سطح کیفی نظام آموزشی کشور کند. شرکت در کارگاه‌های آموزشی مختلف چه پیش از خدمت و چه ضمن خدمت، خواندن مجلات تخصصی، تفکر در کلاس و غیره همه به حرفه‌ای شدن معلم کمک خواهند کرد.

سومین محور به نظرم فضای آموزشی است. انتظار این است که آموزش و پرورش به جذابیت فضای آموزشی کلاس توجه بیشتری داشته باشد. یکی از مدارسی که بنده برای مشاهده و بررسی رفته بودم بسیار جالب بود؛ بدین گونه که هر کلاس به نام درسی نام‌گذاری شده بود مثلاً یک کلاس، کلاس زبان، دیگری کلاس علوم و غیره. یعنی هر گروهی که آن درس را داشت در آن کلاس حاضر می‌شد. این نوع یادگیری با نام

"peripheral learning" به شدت می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند، چرا که دانش‌آموز به‌طور ناخودآگاه آمادگی بیشتری برای یادگیری آن دروس پیدا می‌کند و آخرین محور، کتاب‌های کمک آموزشی است. به نظرم دانش‌آموزان به‌جز کتب درسی، یک سری کتاب‌های دیگری نیز باید داشته باشند که به مهارت‌های شنیداری و گفتاری آن‌ها کمک کنند.

۸ آموزش زبان انگلیسی چه کمکی به رشد خود دانش‌آموز و دانشجویان و چه کمکی به توسعه اجتماعی - اقتصادی کشورمان می‌کند. این سؤال را از آن جهت پرسیدم که بعضی اوقات می‌شنویم که می‌گویند زبان به چه درد ما می‌خورد؟

۹ سؤال بسیار خوبی است. شاید بهتر باشد این سؤال را با یک سؤال جواب دهم. اگر من ایده‌ای مناسب در ارتباط با موضوعات مهم مانند ریاضی، فیزیک، یا انرژی هسته‌ای داشته باشم و بخواهم آن را مطرح کنم چگونه باید این کار را انجام دهم؟ آیا راه دیگری به‌جز زبان بین‌المللی وجود دارد؟ اگر ایده خود را بخواهید در مجله‌ای چاپ کنید تا بتوانید به گوش مردم جهان برسانید راه دیگری به‌جز زبان انگلیسی وجود دارد؟ اینجا لازم می‌دانم این نکته را عرض کنم که زبان انگلیسی دیگر زبان کشور انگلیس یا آمریکا نیست. به عنوان مثال آقای دکتر ظریف وزیر امور خارجه کشورمان که به زبان انگلیسی مسلط هستند از این زبان برای اعتلای کشور ایران و مطرح کردن هویت ایرانی اسلامی استفاده می‌کنند. بنابراین این زبان، زبان بین‌المللی‌ای است که می‌توان آن را آموخت و از آن در راستای منافع ملی استفاده کرد.

۱۰ در پایان می‌خواهم نظرتان را در مورد مجله رشد بیان بفرمایید.

۱۱ به نظرم مجله رشد آموزش زبان‌های خارجی توانسته با توجه به اهدافش پیش برود. همان‌طور که روی جلد اشاره شده این مجله برای معلمان، مدرسان و دانشجویان تربیت معلم منتشر می‌شود. این مجله به مسائلی می‌پردازد که معلمان با آن درگیرند و راهکارهایی برای آموزش زبان در کشورمان ارائه می‌دهد. در این مجله بخش‌هایی که به صورت تمرین "practice" به معرفی روش‌های تدریس، از سوی معلمان، تهیه و معرفی می‌شوند می‌تواند به معلمان خیلی کمک کند. به نظرم هم راستا بودن با اهداف یکی از نقاط قوت مجله است.